



## گفت و گو را با این پرسش آغاز می‌کنیم که شهید شیخ عزالدین القسام چه جایگاهی در مبارزات کنونی ملت فلسطین دارد؟

چنانچه به نقشه جغرافیای سیاسی کنونی خاورمیانه نگاه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که شیخ عزالدین القسام فلسطینی نبوده است. ایشان یک شهروند سوری بوده که به فلسطین هجرت کرده است. اما در زمانی که ایشان می‌زیسته، مرزهای جغرافیایی میان سوریه و فلسطین یا لبنان وجود نداشته است. این منطقه به سرزمین سوریه بزرگ شهرت داشت و مردم این سرزمین به راحتی بین سوریه و لبنان و فلسطین و اردن رفت و آمد می‌کردند. مرزبندی میان این کشورها در پرتو موافقتنامه‌ای که میان سایکس انگلیسی و بیکو فرانسوی پس از فروپاشی دولت عثمانی ترسیم شد، و مرزهای «سایکس - بیکو» شناخته شد.

هنگامی که توطئه انگلیسی‌ها برای واگذاری سرزمین فلسطین به یهودیان آشکار شد، شخصیت‌های زیادی برای جهاد به فلسطین عزیمت کردند. افزون بر شهید عزالدین القسام، آقای معروف سعد یکی از شخصیت‌های شهر صیدا در جنوب لبنان بود که به فلسطین هجرت کرد. تعدادی از شخصیت‌های عراقی و سوری دیگری هم به فلسطین هجرت کردند. این حرکت نشان می‌دهد که ملت‌های منطقه مرزهای جغرافیایی ساختگی را به رسمیت نشناختند و سرزمین فلسطین را متعلق به خودشان می‌دانستند.

از سوی دیگر ملت فلسطین دفاع از این سرزمین را وظیفه همه مسلمانان و اعراب می‌دانست. زیرا فلسطین بخشی جدا ناپذیر از جهان اسلام است. ولی استعمارگران انگلیسی و فرانسوی که بر دولت پنهان عثمانی چیره شدند، ملت‌های مسلمان منطقه را از یکدیگر جدا کردند. ملت فلسطین در آن مرحله هنوز به این سطح نرسیده بود که بتواند در مقابل طرح انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها ایستادگی کند. از سوی دیگر شکست ارتش‌های عرب در جنگ سال

## وظیفه ماست که شهید عزالدین القسام را نماد مبارزات حق جویانه ملت فلسطین و اعراب و مسلمان معرفی کنیم و همه امکانات اعراب و مسلمانان را به سوی تلاش برای آزادی فلسطین بسیج نماییم. شایسته است ابعاد ایمانی و الهی و اسلامی راهکار القسام را بیان کنیم. لازم است جلوه‌های مقدس این مبارزه را آشکار گردانیم. زیرا او به عنوان یک مسلمان مؤمن برای دفاع از سرزمین مقدس فلسطین هجرت کرد.

۱۹۴۸ ملت فلسطین را به شدت غافلگیر کرد. همچنانکه شکست رژیم‌های مترقی عرب به رهبری جمال عبد الناصر رئیس جمهوری فقید مصر و حزب بعث سوریه در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ ملت فلسطین را دوباره غافلگیر کرد. لذا عزالدین القسام به عنوان نماد معنوی مبارزات اعراب فراتر از مرزهای فلسطین می‌اندیشید و توانست با حرکت و راهکار اسلامی و دینی خود، مسلمانان غیر فلسطینی را نیز جذب این جنبش کند. چرا که او فلسطینی تبار نبوده و داوطلبانه رهبری جهاد در فلسطین را بر عهده گرفته بود. او بر مبنای اعتقادات مارکسیستی و ناسیونالیستی به فلسطین هجرت نکرد. بلکه به عنوان یک مسلمان متعهد و مؤمن برای دفاع از سرزمین مقدس فلسطین هجرت کرد. بنابراین شخصیت نمادین القسام دو بعد دارد. یک بعد آن فراملتی است و سرچشمه آن خارج از فلسطین قرار دارد و بعد دوم آن اسلامی است. که جهاد مسلحانه را تنها راه آزادی فلسطین دانست و در این مسیر گام برداشت. نکته دیگر این است که القسام به تنهایی به فلسطین هجرت

نکرد. داوطلبان زیادی را همراه خود به فلسطین برد و دیری نپایید که فرماندهی نیروهای عرب داوطلب جهاد بر ضد اشغالگران انگلیسی را بر عهده گرفت.

از زمان ترسیم مرزهای فلسطین توسط استعمارگران و ورود موج مهاجران یهودی به این سرزمین، اعراب و مسلمانان همچنان با بحران فلسطین مواجه هستند. برخی افراد از ابعاد خطر صهیونیسم بر همه اعراب و مسلمانان و همه انسانیت آگاهند. به طور مثال نظر خواهی‌هایی که در پی حمله رژیم صهیونیستی به غزه در کشورهای اروپایی به عمل آمد، نشان داد که حدود ۷۰ درصد مردم اروپا، اسرائیل را رژیمی متجاوز و خطری بر امنیت جهانی یاد کردند.

هم اینک مردم دنیا آگاه شده‌اند که اسرائیل عامل تهدید امنیت آنان است و این خطر به فلسطینی‌ها و اعراب و مسلمانان محدود نمی‌باشد. بر این اساس وظیفه ماست که شهید عزالدین القسام را نماد مبارزات حق جویانه ملت فلسطین و اعراب و مسلمان معرفی کنیم و همه امکانات اعراب و مسلمانان را به سوی تلاش برای آزادی فلسطین بسیج نماییم. شایسته است ابعاد ایمانی و الهی و اسلامی راهکار القسام را بیان کنیم. لازم است جلوه‌های مقدس این مبارزه آشکار گردانیم.

**غربی‌ها و جنبش صهیونیستی برای تصرف سرزمین فلسطین، جنگ روانی وسیعی براه انداختند. بفرمائید که نقش نجیگان و رسانه‌های اطلاع رسانی آن مرحله چگونه بوده است؟**

برخی از اندیشمندان و نجیگان عرب زود هنگام خطر صهیونیسم را شناخته بودند. البته فلسطینی‌ها این خطر را حس کرده و با چشمان خود می‌دیدند. مراحل گام به گام تصرف سرزمین فلسطین را مشاهده می‌کردند. اتوان سعاد بنیانگذار حزب سوری قومی اجتماعی لبنان عمق این خطر را شناخته بود. میثال شیخا یکی دیگر از اندیشمندان لبنانی خطر صهیونیسم را درک کرده بود. حاج امین الحسینی

# القسام دولت‌های عرب را عامل از بین رفتن فلسطین می‌دانست...



**بررسی نقش دولت‌های دست‌نشانده عرب در شکل‌گیری کیان غاصب در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با استاد انیس نقاش مسئول شبکه پژوهشی و اطلاع رسانی امان در بیروت**

نقش گروه‌های صهیونیستی خدمت‌گذار و دولت‌های خدمتگذار به وضوح در دانشنامه هشت جلدی «یهود و یهودیت و صهیونیسم» که مرحوم پرفسور عبد الوهاب المسیری نویسنده مصری آن را نوشته تشریح شده است. البته منظور نویسنده از بکارگیری واژه «خدمت‌گذاری» خدمت طیف‌های یاد شده به جوامع انسانی و تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی در جهان نیست. چه فلسفه پیدایش رژیم صهیونیستی و سایر رژیم‌های دست‌نشانده عرب در خاورمیانه، بر مبنای خدمت‌گذاری به منافع گوناگون استکبار جهانی استوار بوده است. شاهد یاران به منظور آگاهی خوانندگان از نقش گروه‌ها و دولت‌های خدمتگذار در تأمین منافع قدرت‌های استکباری و غربی به گفت و گو با استاد انیس نقاش پژوهشگر لبنانی نشسته است که با هم می‌خوانیم:



**در بند اول اساسنامه اتحادیه عرب  
تصریح شده که رژیم‌های عرب موظفند  
به مرزهای یکدیگر احترام قائل باشند.  
کدام مرز؟ مرزهایی که مستر سایکس و  
مسیویکو آن را ترسیم کردند. برسمیت  
شناختن مرزهای ساختگی، اولین بندی  
بود که انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بر  
اتحادیه عرب تحمیل کردند. این نشان  
می‌دهد که اتحادیه عرب به منظور  
پاسداری از منافع و دستاوردهای  
استعمارگران غربی تشکیل شده است.**

مدیون اراده انگلیسی‌هاست به طور ضمنی نقش انگلیس را در زمینه ترسیم مرزهای ساختگی از جمله برپایی اسرائیل را پذیرفتند. این مهمترین نقطه ضعف رژیم‌های کنونی عرب بود که به پیدایش کیانی به نام اسرائیل کمک کرد. در این میان جریان‌های مردمی و احزاب سیاسی مردمی همه این نقشه‌ها و طرح‌های استعمارگرانه را نمی‌پذیرفتند. شعار وحدت و یکپارچگی امت عربی و شعار نافرمانی از غرب و شعار مخالفت با وجود کیان غاصب صهیونیستی در فلسطین را سردادند. رژیم‌های عرب شجاعت پذیرش علنی کیان غاصب را نداشتند، ولی به طور محرمانه به ایجاد این کیان کمک می‌کردند. امروزه پوشیده نیست که رژیم پادشاهی اردن از سال ۱۹۴۸ با رژیم صهیونیستی ارتباط داشته است. تماس‌های ملک حسین پادشاه پیشین اردن با گولدا مائیر و موشه دایان از ذهن هیچ کس پوشیده نیست. این تماس‌ها قبل از اعلام موجودیت اسرائیل نیز وجود داشته است. پادشاهان عربستان سعودی هم با صهیونیست‌ها تماس داشتند و در کنفرانس بین المللی که چند دهه پیش در پاریس برگزار شد اعلام کردند که درباره موجودیت اسرائیل در فلسطین موضع علنی و آشکار اتخاذ نمی‌کنند.

**در بررسی برخی متون تاریخی مربوط به دوران شهید القسام به این نتیجه رسیدم که سعودی‌ها به طور ضمنی با طرح انگلیس برای واگذاری فلسطین به یهود موافق بوده‌اند.** در این زمینه نظر تان چیست؟

اصولا سعودی‌ها با این طرح مخالفتی نداشتند. هرگز نمی‌توانستند مخالفت کنند. در آرشینو وزارت خارجه انگلیس سند مشهوری وجود دارد و حاکی از آن است که هنگامی که انگلیسی‌ها عبد العزیز آل سعود بنیانگذار پادشاهی سعودی را سلطان حجاز خطاب کردند. او با خنده به آنان گفت «شما بودید که مرا سلطان نامیده‌اید». هنگامی که نظر این سلطان را درباره فلسطین جویا

بحران را یک رویارویی طبقاتی عنوان می‌کردند. در شرایطی که بیگانگان نقشه‌های سیاسی و جغرافیایی منطقه را از نو ترسیم می‌کردند، احزاب ناسیونالیست عرب هم که به تازگی شکل گرفته بودند، هویت ناسیونالیستی خود را جستجو می‌کردند. به تعبیر روشنتر، زمانی که فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها از وحدت اعراب جلوگیری می‌کردند، احزاب ناسیونالیست در صحنه ظهور کردند و شعارهای وحدت گریزانه سر دادند. اما در آن هنگام اتحادیه عرب شکل گرفت که در بند اول اساسنامه آن تصریح شده که رژیم‌های عرب موظفند به مرزهای یکدیگر احترام قائل باشند. کدام مرز؟ مرزهایی که مستر سایکس و مسیویکو آن را ترسیم کرده بودند. برسمیت شناختن مرزهای ساختگی، اولین بندی بود که انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بر اتحادیه عرب تحمیل کردند و از رژیم‌های عرب خواستند برای این مرزها احترام قائل باشند. این نشان می‌دهد که اتحادیه عرب به منظور پاسداری از منافع و دستاوردهای استعمارگران غربی تشکیل شده است.

لذا هدف اصلی اتحادیه عرب متحد نمودن ملت‌های عرب نبوده است. بلکه هدف اصلی آن تداوم پراکندگی و تجزیه اعراب بوده است. انگلیس و فرانسه که نقشه جغرافیایی و سیاسی منطقه را ترسیم کرده بودند تحویل اتحادیه عرب دادند تا پاسدار این مرزها باشد. اروپایی‌ها نه فقط نقشه‌های جغرافیایی لبنان، سوریه، اردن هاشمی و عراق را ترسیم کردند بلکه نقشه سرزمین فلسطین را نیز به عنوان سرزمین یهود و پایگاه دولت آینده یهود ترسیم کردند. غربی‌ها به رژیم‌های دست نشانده عرب گفتند حال که نقشه سیاسی و جغرافیایی خاورمیانه را ترسیم کرده‌ایم، اجازه داریم یک کیان مستقل برای یهود در این منطقه ایجاد کنیم. برخی رژیم‌ها مانند اردن هاشمی و عربستان سعودی که به خوبی می‌دانند موجودیت آن‌ها

مفتی فلسطین نیز میزان خطر صهیونیست‌ها را شناخته بود و همواره اعراب را نسبت به این خطر بر حذر می‌داشت. به موازات هشدارهای اندیشمندان و نخبگان عرب، رژیم‌های سیاسی بر اساس موافقتنامه «سایکس - بیگو» در جهان عرب شکل می‌گرفتند. اولین مشکل ملت‌های منطقه این بود که رژیم‌های ساختگی توسط قدرت‌های غربی قارچ گونه در خاورمیانه می‌رویندند. امروزه که درباره مشکلات ملت فلسطین بحث می‌کنیم نباید این مشکل اساسی را فراموش کنیم که استعمارگران غربی رژیم‌هایی را پیرامون فلسطین به وجود آوردند که وظیفه داشتند با استعمارگران و جنبش صهیونیستی برای برپایی کیان غاصب در فلسطین همکاری نمایند. این رژیم‌های ساختگی در پی فروپاشی دولت عثمانی و در نتیجه موافقتنامه «سایکس - بیگو» توسط غربی‌ها ایجاد شده بودند. هیچ رژیمی که به انگلیسی‌ها یا فرانسوی‌ها ارتباط نداشته بود در خاورمیانه وجود نداشت. مکانیزم این رژیم‌ها برای نجات فلسطین بسیار ضعیف یا توطئه آمیز بود.

**منظوران همه رژیم‌های عرب دست نشانده بودند؟**  
از شریف حسین امیر پیشین حجاز و فرزندان او فیصل اول و فیصل دوم پادشاهان سوریه و عراق گرفته تا ملک فاروق پادشاه مصر و دولت نویای لبنان، هیچ یک از این رژیم‌ها نمی‌توانست از چارچوب دستورات استعمارگران فرانسوی و انگلیسی خارج شود. ملک عبد الله اول پادشاه اردن نیز هرگز اراده مستقلی نداشت. زیرا کشور اردن با تصمیم انگلیسی‌ها شکل گرفته بود. ملک فیصل پسر شریف حسین که مدتی در سوریه پادشاهی کرد اجازه نداشت با پادشاهان خود دراز کند. لذا رژیم‌های پیرامون فلسطین نقش بسزایی در بروز بحران فلسطین داشتند. در چنین شرایط دشواری شهید عزالدین القسام هیچ امیدی به این رژیم‌ها نداشت و فقط به توده مردم مسلمان و فلسطینی تکیه کرد.

امروزه ملت‌های منطقه همچنان از رژیم‌های دست نشانده پیرامون فلسطین رنج می‌برند که ملاحظات و معادلات غربی‌ها را رعایت می‌کنند. این رژیم‌ها همواره متحد قدرت‌های غربی هستند. در حالی که توده مردم هیچ ارتباطی به این رژیم‌ها و به معادلات سیاسی غربی‌ها ندارند. جنبش‌های مقاوم و رزمندگان مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین از درون توده مردم برانگیخته شده‌اند.

**در دوران قیومیت انگلیس بر فلسطین، تعدادی احزاب و گروه‌های ملی گرای فلسطینی فعالیت داشتند. این احزاب چه نقشی در مبارزات ملت فلسطین داشتند؟**

در آن مرحله احزاب زیادی به وجود آمدند که برخی شان به طور آشکار با انگلیسی‌ها ارتباط داشتند و برخی مستقل عمل می‌کردند. به طور مثال حزب کمونیست فلسطین که به اتحاد جنبش کارگری جهان اعتقاد داشت با حزب کمونیست وابسته به صهیونیست‌ها همکاری می‌کرد. اتحادیه کارگران فلسطین با اتحادیه کارگران صهیونیست ائتلاف برقرار کرده بود. اتحاد جماهیر شوروی هم اولین کشوری بود که اسرائیل را برسمیت شناخت. به چه دلیل؟ به این دلیل که اسرائیل را یک کیان سوسیالیست در منطقه می‌دانست. درون حزب کمونیست شوروی نیز یهودیانی وجود داشتند که از کمونیست‌های صهیونیست در فلسطین پشتیبانی به عمل می‌آوردند. زیرا صهیونیست‌ها در دوران زمینه سازی برپایی اسرائیل، مزارع گروهی و مراکز صنعتی و تولیدی مانند مزارع شوروی و کشورهای بلوک شرق ایجاد کرده بودند. در نتیجه این موضع شوروی، بسیاری از احزاب کمونیست در جهان عرب در بحران فلسطین موضوع بیطرفی به خود گرفتند. احزاب کمونیست جهان منکر موجودیت صهیونیسم در فلسطین نبودند، ولی این







مقاومت به ملت‌های عرب و مسلمان به سوی آزادی فلسطین صهیونیست‌ها پاسداری می‌کند. بنابراین اگر ملت‌های عرب خاموش بودند و به شنیدن شعار اکتفا می‌کردند، رژیم‌های حاکم تا ملت‌ها ظرفیت داشته باشند، شعارهای رنگارنگ به خورد مردم می‌دادند. این رژیم‌ها در مراحل گذشته جار و جنجال براه می‌انداختند که فلسطین باید آزاد شود، ولی هیچ اقدام سازنده برای آزادی فلسطین به عمل نمی‌آوردند.

اکنون که ملت‌های عرب و مسلمان به سوی آزادی فلسطین گام برداشته‌اند، این رژیم‌ها در برابر ملت‌ها جبهه‌گیری کرده‌اند. زیرا وظیفه دارند از فروپاشی اسرائیل جلوگیری کنند. من همواره در گفت و گوهای تلویزیونی و مطبوعاتی به مردم می‌گویم که از آشکار شدن خیانت رژیم‌های عرب شوکه نشوید. رسوایی رژیم‌های عرب طبیعی است. هر اندازه نیروهای مقاومت مردمی در جبهه روبرویی با اسرائیل پیشروی کنند، رژیم‌های حاکم گستاخ‌تر می‌شوند و سرکوب نیروهای انقلابی را شدت می‌بخشند. زیرا این رژیم‌ها متعهد هستند از موجودیت اسرائیل دفاع کنند.

با محاصره مردم غزه توسط رژیم مصر و جلوگیری از رسیدگی به گزارش گلدستون، هم اینکه ماهیت رژیم‌های عرب بیش از پیش آشکار شده است. رژیم‌های پیشین عرب اینگونه گستاخ نبوده‌اند. علت اینکه این رژیم‌ها برای دفاع از اسرائیل سنگ تمام گذاشته‌اند چیست؟

همانگونه که اشاره کرده‌ام، هر اندازه جنبش‌های مقاومت به پیروزی‌ها و دستاوردهای چشمگیری نائل شوند، رژیم‌های عرب نیز به همان اندازه به وحشت و دلهره می‌افتند. زیرا سرنوشت و موجودیت این رژیم‌ها به بقای کیان غاصب گره خورده است. این یک معادله ساده است. فروپاشی رژیم صهیونیستی، سقوط رژیم‌های دست‌نشانده عرب را به دنبال خواهد داشت. در پی سقوط رژیم صهیونیستی، نقشه جغرافیایی و سیاسی منطقه نیز بکلی دگرگون خواهد شد. زیرا ملت‌های عرب مرزهای جغرافیایی کنونی را برسمیت نمی‌شناسند. ملت‌های عرب و مسلمان می‌خواهند برادر و متحد باشند.

ادعای رژیم‌های عرب که مخالف اسرائیل هستند پوچ و خرافه است. ماسک فریب از چهره‌شان برداشته شده است. رژیم مصر با محاصره نوار غزه با مردم این سرزمین اعلام جنگ کرده است. فقط مانده آنان را با توپخانه گلوله باران کند. رژیم اردن هم همین کار را انجام داده است. به هیچ وجه به انقلابیون اجازه نمی‌دهد پول و امکانات و اسلحه به فلسطین اشغالی منتقل کنند. مرزهای خود را محکم بسته است. برخی از رژیم‌های عرب امروز شریک جرم اسرائیلی‌ها در جنگ بر ضد ملت فلسطین هستند. زیرا

شعارهای انقلابی که سرنداد؟ حسنی الزعیم به محض پیروزی این کودتا، رژیم پیشین را لعن و نفرین کرد و او را باعث از دست رفتن فلسطین عنوان کرد. او شعارهای انقلابی را سرپوشی برای اجرای سیاست‌های مزدورانه‌اش قرار داده بود. چند ماه از پیروزی کودتا نگذشته بود که اتوان سعاده رئیس حزب سوری قومی اجتماعی را اعدام کرد. زیرا سعاده یک حرکت انقلابی گسترده‌ای را در خاورمیانه بر ضد انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها آغاز کرده بود. کودتاهای زیادی در جهان عرب روی داد که کودتاچیان مزدور غرب بودند، ولی شعارهای انقلابی مطرح می‌کردند. کودتاچیان وظایف سرری داشتند. ولی امروزه توده‌های عرب به درجه بالای آگاهی رسیده‌اند و شعارهای دروغین رژیم‌های عرب را شناسخته‌اند. از این پس به این رژیم‌ها اجازه نمی‌دهند توطئه‌شان را به سادگی پیاده کنند. ملاک این نیست که این رژیم‌ها فریاد بکشند که ملی گرا هستند،

**زمانی که رژیم‌های دست‌نشانده عرب توسط انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها به وجود آمدند، نخستین گام تأسیس کیان غاصب در فلسطین نیز برداشته شد. زمینه سازی برای پایه گذاری این رژیم‌های دست‌نشانده در دهه دوم قرن بیستم آغاز گردید و مرحله بهره برداری از این رژیم‌ها در دهه چهارم همان قرن بود. اسرائیل هم در همین دهه موجودیت خود را اعلام کرد. استقلال لبنان هم در سال ۱۹۴۳ اعلام شد.**

و از آرمان فلسطین دفاع می‌کنند. مهم این است که در عمل ثابت کنند که مدافع آرمان فلسطین هستند. توده‌های مردم امروزه هر اندازه به جلو بتازند و راهکار مقاومت را ادامه دهند، ماهیت این رژیم‌ها را بیشتر از گذشته رسوا می‌کنند.

این رژیم‌ها هم اکنون نمی‌توانند خود را پشت شعارهای دروغین پنهان کنند. به همین دلیل به سبب بر ضد نیروهای انقلابی و مقاومت برخاسته‌اند. به طور مثال رژیم مصر از یکسال پیش مردم غزه را محاصره کرده است. با نیروهای مقاومت می‌جنگد. قصد دارد دیوار آهنین در مرز غزه احداث کند. رژیم اردن نیز با امضای قرار دادهای امنیتی با اسرائیل، مرزهای خود را در برابر نفوذ نیروهای

می‌شوند، به آنان می‌گوید حال که شما مرا سلطان حجاز انتخاب کرده‌اید چرا از من نظرخواهی می‌کنید؟ عبد العزیز با این پاسخ می‌خواست به انگلیسی‌ها بگوید شما که نقشه جغرافیای سیاسی منطقه را ترسیم کرده‌اید، چرا با من مشورت می‌کنید؟ این یک نوع موافقت ضمنی سعودی‌ها با واگذاری فلسطین به یهودیان از سوی انگلیس بود. این نشان می‌دهد که اگر ملک عبد العزیز با خواست انگلیسی‌ها مخالفت می‌کرد او را از سلطنت عزل می‌کردند.

خطرناکترین رویدادی که جهان عرب پس از فروپاشی دولت عثمانی گرفتار آن شد، تقارن پیدایش کیان‌های سیاسی ساختگی در جهان عرب با اجرای توطئه واگذاری سرزمین فلسطین به یهودیان بود. به تعبیری گویاتر، زمانی که رژیم‌های دست‌نشانده عرب توسط انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها به وجود آمدند، نخستین گام تأسیس کیان غاصب در فلسطین نیز برداشته شد. زمینه سازی برای پایه گذاری این رژیم‌های دست‌نشانده در دهه دوم قرن بیستم آغاز گردید و مرحله بهره برداری از این رژیم‌ها در دهه چهارم همان قرن بود. اسرائیل هم در همین دهه موجودیت خود را اعلام کرد. استقلال لبنان هم در سال ۱۹۴۳ اعلام شد.

**به نظر شما رژیم‌های کنونی در جهان عرب در ادامه همان رژیم‌های گذشته هستند؟**

رژیم‌های کنونی جهان عرب هرگز توان خروج از معادلات و محاسبات غرب را ندارند. این رژیم‌ها در ادامه همان رژیم‌های پیشین هستند. هر اندازه ادعا کنند که مستقل و آزاد هستند، ولی عملکردشان در سال‌های گذشته ثابت کرده که همچنان اسیر معادلات استعمار قدیم هستند. اکنون استعمار قدیم تنها نیست. آمریکا نیز به آن پیوسته است. امروزه آمریکا رژیم‌های عرب را سرزنش می‌کند که برای چه از انگلیس و فرانسه دنباله روی می‌کنید؟ این دو کشور ضعیف و فرسوده شده‌اند. مشکل اصلی این است که آمریکا وارث استعمار قدیم شده و زمام امور دولت‌های منطقه را به دست گرفته است. انور السادات رئیس جمهوری پیشین مصر بجای اینکه بگوید از استعمارگران انگلیسی و فرانسوی دنباله‌روی می‌کند، می‌گفت که امروزه ۹۹ درصد پرونده‌های خاورمیانه در دست آمریکاست. این سخن نشان می‌دهد که رئیس بزرگترین کشور عربی تسلیم اراده آمریکا شده است. آمریکا را بازیگر اصلی سیاست‌های خاورمیانه معرفی می‌کرد، و اکنون دولت‌های اردن و عربستان سعودی هم اینگونه فکر می‌کنند.

در جنگ‌های گذشته که رژیم صهیونیستی بر ارتش‌های عرب چیره می‌شد، خشم و اعتراض توده‌های عرب نیز برانگیخته می‌شد. به نظر شما هدف کودتاهایی که پس از جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ در برخی کشورهای عرب روی داد، فرونشاندن خشم ملت‌های عرب بوده است؟ هدف این کودتاها به فرونشاندن خشم و اعتراض عمومی محدود نبوده است. کودتاچیان وظایف دیگری هم برعهده داشتند. کودتاچیان برای اینکه مزدوری‌شان و دنباله روی‌شان از غرب را آشکار نکنند، شعارهای انقلابی مطرح می‌کردند تا به وسیله آن شعارها مانند مورقین توده‌های مردم را بی حس کنند. به طور مثال امروزه ثابت شده که کودتای حسنی الزعیم، رئیس جمهوری پیشین سوریه توسط سازمان سیا برنامه ریزی و به مورد اجرا گذاشته شده بود. هدف اصلی آن کودتا امضای موافقتنامه آتش بس میان سوریه و اسرائیل بود. زیرا پیش از این کودتا، موافقتنامه آتش بس میان طرفین وجود نداشت.

یکی دیگر از وظایف این کودتا موافقت با احداث خط لوله انتقال نفت عراق به دریای مدیترانه بود (خط تاپالین). حسنی الزعیم برای اجرای مأموریت‌های محوله چه



شهرها و روستاهای صحرای سینا تأمین کردند. در آینده هم هیچ چیزی مانع حرکت آنها به سوی صحرای سینا نخواهد شد.

**اخبار دریافتی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین حاکی است که به موازات گسترش دامنه گرایش مردم به جنبش‌های انقلابی و جهادی، دولت‌های غربی و عربی نیز آرام ننشسته‌اند و از طریق برقراری ارتباط با نهادهای روشنفکری و جامعه مدنی و ارائه کمک‌های مالی به آنها سعی در تحریف اذهان عمومی دارند. در این زمینه چه اطلاعاتی دارید؟**

در سرزمین‌های اشغالی فلسطین استفاده از نخبگان و فرهیختگان یکی از شگردهای کهنه استعمارگران انگلیسی بوده که امروزه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) این شگرد را دنبال می‌کند. سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی غرب با برقراری ارتباط با محافل فرهنگی و پژوهشی و سازمان‌های جامعه مدنی و ارائه کمک‌های مالی، از آنها برای اجرای سیاست‌های خود به نحوی بهره برداری می‌کنند. در اسناد برخی محافل و ادارات آمریکا و انگلیس که پس از گذشت ۳۰ سال از آنها رونمایی شده است، نام و نشان و مأموریت بسیاری از این مراکز فاش شده است. خانم فرانسس ستونور ساوندرز یکی از کارگزاران سازمان سیا در کتابی که اخیراً تحت عنوان «شبکه‌های جاسوسی در بازار فرهنگ - چه کسی به پاره گویان کمک می‌کند» منتشر کرده تأکید کرده است که «سازمان فرهنگ آزاد» که مقر آن در خاورمیانه است توسط سازمان سیا تأسیس شده، و پژوهشگران و فرهیختگان عضو سازمان‌های جامعه مدنی در کشورهای خاورمیانه مهمترین منبع اطلاعاتی سازمان سیا هستند.

البته نباید فراموش کرد که جرج بوش رئیس جمهوری پیشین آمریکا طی سخنانی در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد سیاستگذاری دولت آمریکا در ۱۰ سال آینده روی برقراری دمکراسی در خاورمیانه متکی است. البته منظور بوش از برقراری دمکراسی مبارزه با جنبش‌های مقاومت مردمی بوده که آن را تروریسم عنوان کرد. بخش امنیت ملی دولت آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم جنگ فکری و فرهنگی دامنه داری را آغاز کرد که جزئیات آن روی وب سایت کاخ سفید تشریح شده است. حال نظر به گسترش گرایش‌های انقلابی گرایانه و پیروزی‌های اخیر جنبش‌های مقاومت فلسطین، گرایش سازمان‌های فرهنگی

است. خیر... اسرائیل به برکت عملیات مقاومت از غزه بیرون رفته است. اسرائیل ۲۵ سال نوار غزه را در اشغال داشت. ولی زمانی که مقاومت واقعی در غزه شکل گرفت، اسرائیل ناچار شد از این سرزمین فرار کند و بگوید که قصد ندارد به این سرزمین بازگردد. هیچ کسی نمی‌تواند به مقاومت اسلامی لبنان بگوید که کارتان اشتباه بوده است. مقاومت لبنان در سال ۲۰۰۰ اسرائیل را از این سرزمین بیرون کرد و در سال ۲۰۰۶ معاهده‌ای را به وجود آورد که اسرائیل هیچ وقت گستاخی حمله مجدد به لبنان را نخواهد داشت.

مقاومت لبنان امروزه توان نابودی ارتش اسرائیل را دارد. سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله به اسرائیل هشدار داده که چنانچه بار دیگر به لبنان حمله کند ارتش اسرائیل نابود خواهد شد. بنابراین اسرائیل با جنایات و اقدامات سرکوبگرانه‌اش ملت‌های منطقه را به سوی مقاومت سوق می‌دهد و از سوی دیگر پیروزی چشمگیری که به دست آمده نیروهای مقاومت را به ادامه این راهکار تشویق و امیدوار کرده است. جای هیچ نگرانی نیست.

هم اینک نوار غزه امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند و نه بالعکس. این معادله جدیدی است که به تازگی رقم خورده است. مستولان و کارشناسان نظامی اسرائیل اعتراف کرده‌اند که توان اشغال مجدد غزه را ندارند. مقاومت غزه با امکاناتی که در اختیار دارد، امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند. اسرائیل اعتراف کرده که مردم غزه به رغم محاصره شدید، به موشک‌هایی دست یافتند که شهر تل‌آویو را در تیررس دارند. رزمندگان حماس و جهاد اسلامی به توانمندی چشمگیری دست یافته‌اند و همچون حزب الله لبنان قادرند در برابر ارتش اسرائیل بایستند. همه این دستاوردها در سایه محاصره شدید نوار غزه تحقق یافته است.

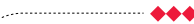
امروزه معادله طوری شده که نوار غزه امنیت کیان غاصب را به طور جدی تهدید می‌کند. فلسطینی‌ها خیال‌شان راحت است که اسرائیل نمی‌تواند سرزمین غزه را دوباره اشغال کند. در حالی که اسرائیل در حالت سرگردانی بسر می‌برد و نمی‌داند مشکل غزه را چگونه حل کند. درست است که مردم غزه با کمبود دارو مواجه هستند و در گرسنگی بسر می‌برند. ولی در عین حال توانسته‌اند بر مشکلات چیره شوند. در مراسم اولین سالگرد جنگ ۲۲ روزه غزه که چند روز پیش توسط حماس برگزار شده ده‌ها هزار تن شرکت کردند. پس از جنگ مزبور پایگاه مردمی حماس چند برابر افزایش یافته است. زیرا مردم فلسطین برقراری موازنه قدرت با رژیم صهیونیستی را درک کرده‌اند. **بفرمائید دیوار آهنین مرزی که دولت مصر سرگرم ساخت آن است چه تأثیری بر توانمندی حماس خواهد داشت؟**

بی‌تردید ساخت این دیوار امکان دارد به تشدید محاصره غزه کمک کند. ولی هرگز مانع انتقال اسلحه و مواد غذایی به غزه نخواهد شد. مردم فلسطین راه‌های متعددی برای ارسال همه‌گونه امکانات به غزه در اختیار دارند. همچنین فراموش نکنید که تشدید محاصره نوار غزه امکان دارد اوضاع را منفجر کند، و مردم غزه ناچار شوند سیم‌های خاردار مرزی را پاره کنند و وارد صحرای سینا شوند. آنگونه که سه سال پیش چنین حادثه‌ای اتفاق افتاد. سه سال پیش زمانی که احساس کردند دارند خفه می‌شوند سیم خاردار و موانع مرزی را به هم ریختند و نیازهای ضروری خود را از بازرگانان مصری در

ریشه این رژیم‌ها به رژیم‌های پیشین باز می‌گردد. اگر گمان کنیم که دیدگاه رژیم‌های عرب در برابر صهیونیسم تغییر کرده اشتباه کرده‌ایم. اگر اسرائیل در منطقه سقوط کند، رژیم‌های عرب نیز که به موجب موافقتنامه «سایکس - بیگو - بالفور» به وجود آمده‌اند، بیدرنگ سقوط خواهند کرد. این سه نفر بودند که نقشه جغرافیایی و سیاسی منطقه را ترسیم کردند.

**راهکار القسام و راهکار مقاومت در خاورمیانه به رغم همه توطئه‌ها همچنان ادامه دارد. به نظر شما پیروزی نهایی مقاومت چه زمانی است؟**

برای پاسخ به این پرسش باید گفت که دو معادله به هم پیوسته و مرتبط به یکدیگر وجود دارد. معادله نخست به میزان وحشیگری و خطر رژیم صهیونیستی در منطقه بستگی دارد. مردم همچنان بسر این باورند که رژیم صهیونیستی سرنوشت ملت‌های منطقه را تهدید می‌کند و بسا این تهدید باید مقابله کرد. معادله دوم این است که



**مقاومت لبنان امروزه توان نابودی ارتش اسرائیل را دارد. سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله به اسرائیل هشدار داده که چنانچه بار دیگر به لبنان حمله کند ارتش اسرائیل نابود خواهد شد. بنابراین اسرائیل با جنایات و اقدامات سرکوبگرانه‌اش ملت‌های منطقه را به سوی مقاومت سوق می‌دهد و از سوی دیگر پیروزی چشمگیری که به دست آمده نیروهای مقاومت را به ادامه این راهکار تشویق و امیدوار کرده است**

ریشه بحران خاورمیانه همچنان لاینحل باقی مانده است. مانند دولت مستقل فلسطین، بازگشت آوارگان فلسطین، اشغال سرزمین فلسطین و جنایات مستمر صهیونیست‌ها. همه این مسائل هنوز حل نشده است. با توجه به این دو عامل، گرایش مردم به سوی مقاومت همچنان قوی است. تا زمانی که حقوق ملت فلسطین به آنان مسترد نشود، شکی نیست که مقاومت تداوم پیدا خواهد کرد. چرا مقاومت ادامه پیدا نکند؟

از سوی دیگر در مقابل افزایش توطئه‌های رژیم‌های عرب و گسترش جنایات رژیم صهیونیستی، مقاومت نیز به پیروزی‌های چشمگیری نائل آمده است. با این وصف چرا نباید مقاومت تداوم یابد؟ امروز هیچ کسی نمی‌تواند به جوانان غزه بگوید که اسرائیل داوطلبانه از غزه خارج شده



وقتی علم ایران صوری در جنگ زودن





### فلسطین دارند؟

سازمان اطلاعات مصر میان سازمان‌های جامعه مدنی فلسطین حضور چشمگیری ندارد. شیوه کار این سازمان با شیوه کار سرویس‌های جاسوسی غرب که با تزیق پول می‌کوشند در جامعه فلسطین شکاف ایجاد نمایند متفاوت است. فعالیت کارکنان کنسولگری مصر در رام الله به داشتن ارتباط مستقیم با مسئولان حکومت خودگردان و رهنمون سازی و مشارکت در سیاستگذاری آنان محدود است. دیپلمات‌های مصری مستقیماً با عمر سلیمان وزیر اطلاعات مصر در ارتباط هستند و گزارش‌های روزانه خود را تقدیم او می‌کنند و نه به وزارت خارجه. کارکنان کنسولگری مصر برای تماس با هر شهروند فلسطینی از آزادی مطلق برخوردارند و هیچ کسی اجازه تعرض به آنان را ندارد و چنانچه کسی در کارشان دخالت کند بیدرتنگ باز خواست می‌شود.

از سوی دیگر نمایندگان سازمان اطلاعات مصر در کرانه باختری رود اردن از استقلال کامل برخوردارند به طوری که سرویس‌های امنیتی و جاسوسی اسرائیل هم اجازه دخالت در کار آنان را ندارند. بی تردید فعالیت آزادانه کارگزاران اطلاعاتی مصر زیر نظر عمر سلیمان و بر اساس توافق با اسرائیلیها می‌باشد. محمد حسنین هیکل نویسنده سرشناس مصری چندی پیش در گفت و گویی که درباره اقدام محمود عباس برای مسکوت گذاشتن گزارش گلدستون با شبکه الجزیره داشت گفت که محمود عباس به دستور آموزشگاه خود عمل می‌کند. خب همه فلسطینی‌ها می‌دانند که عمر سلیمان وزیر اطلاعات مصر آموزشگاه محمود عباس است.

البته در پی درگیری‌های سه سال پیش بین حماس و جنبش فتح در نوار غزه که سرانجام این منطقه به کنترل حماس درآمد، سازمان اطلاعات مصر نیروهای امنیتی خود را به کرانه باختری رود اردن انتقال داد. برخی دوستان فلسطینی برای من نقل کرده‌اند که مأموران امنیتی مصر در زمینه ایجاد شکاف میان جنبش‌های مقاومت فلسطین فعالیت می‌کنند. به طوری که مأموران مصری، با هماهنگی مأموران امنیتی حکومت خود گردان، با شخصیت‌های گوناگون و فعال فلسطینی جلسات گفت و شنود و مبادله اطلاعات تشکیل می‌دهند و دیدگاه‌های آنان را درباره فعالیت جنبش‌ها و گروه‌های مقاومت فلسطین به عمر سلیمان منتقل می‌کنند. مهمترین مأموریت مأموران امنیتی مصر شناخت دیدگاه‌های جنبش‌های اسلامی و مقاوم فلسطینی و مدافعان آنهاست و در مبارزه دراز مدت چه استراتژی را دنبال می‌کنند.

عربستان سعودی هم در صحنه فلسطین بی‌کار ننشسته و با انبوه کمک‌های مالی به گروه‌های سلفی گرا وارد خط شده تا با شیوه‌های خود به مبارزات ملت فلسطین و سایر جنبش‌های اسلامی آسیب جدی وارد کند. در همین حال نهادهای امنیتی حکومت خودگردان برای ضربه زدن به جنبش حماس از گروه‌های سلفی گرا استفاده می‌کند. نا گفته نماند که برخی گروه‌های سلفی نیز با دستگاه‌های امنیتی حکومت خودگردان همکاری دارند و جنبش حماس چند ماه پیش آن‌ها را در نوار غزه قلع و قمع کرد. تردیدی ندارم که هدف سرویس‌های جاسوسی و امنیتی دولت‌های غربی و عربی از حضور در مناطق فلسطینی تشویق فلسطینی‌ها به دست کشیدن از مبارزه و پذیرش سیاست‌های آمریکا و اسرائیل به بهانه برقراری صلح در منطقه می‌باشند. رخنه محافل اطلاعاتی و جاسوسی در جامعه فلسطین با هماهنگی سرویس‌های امنیتی حکومت خودگردان و اسرائیل و آمریکا در دو سال گذشته به اوج رسیده است. ■

**هدف سرویس‌های جاسوسی و امنیتی دولت‌های غربی و عربی از حضور در مناطق فلسطینی تشویق فلسطینی‌ها به دست کشیدن از مبارزه و پذیرش سیاست‌های آمریکا و اسرائیل به بهانه برقراری صلح در منطقه می‌باشد. رخنه محافل اطلاعاتی و جاسوسی در جامعه فلسطین با هماهنگی سرویس‌های امنیتی حکومت خودگردان و اسرائیل و آمریکا در دو سال گذشته به اوج رسیده است.**

میان فلسطینی‌ها و یهودیان فعالیت می‌کنند. نمایندگی سیاسی دانمارک در رام الله از مرکز ششم در رام الله و جمعیت المستقبل الفلسطینی در نابلس پشتیبانی مالی به عمل می‌آورد. همانگونه که پیشتر به آن اشاره کردم هدف این مراکز تبلیغ اسلام معتدل و روبرویی با جنبش‌های مقاومت فلسطینی است.

**این فعالیت‌ها تاکنون چه دستاوردی برای آمریکا و اسرائیل داشته است؟**

دستاورد این کمک‌ها صفر بوده است. نه سازمان‌های جامعه مدنی توانستند ساختار فکری و اجتماعی جامعه فلسطین را به نفع دشمن دگرگون کنند و نه نویسندگان و اندیشمندان فلسطینی حاضرند در بخش‌های اطلاع رسانی و جاسوسی با غربی‌ها همکاری نمایند. با وجودی که سازمان‌های جامعه مدنی با افراد جامعه تماس و ارتباط نزدیک دارند ولی به هیچ وجه حاضر نیستند با دشمنان مردم شان همکاری غیر منطقی داشته باشند. به طور مثال در پی انتشار کاریکاتورهای توهین آمیز در یکی از روزنامه‌های دانمارک نمایندگی این کشور در رام الله به منظور بهبود چهره دانمارک صدها هزار دلار پول میان نویسندگان و روزنامه نگاران فلسطینی پخش کرد ولی این اقدام هیچ سودی برای بهبود چهره دانمارک نداشت. ناکامی محافل جاسوسی و فرهنگی غرب در سرزمین‌های اشغالی فلسطین باعث دخالت حکومت خودگردان شده است.

**دولت‌های عرب چه نقشی در سرزمین‌های اشغالی**



و سرویس‌های جاسوسی آمریکا برای همکاری با محافل جامعه مدنی فلسطین در سال‌های اخیر ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. بر این اساس سازمان‌های مزبور وظیفه یافته‌اند به منظور دگرگونی ساختار فکری جامعه فلسطین، دیدگاه‌ها و سیاست‌های آمریکا و همپیمانان آمریکا را مطرح نمایند.

در همین حال سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا و اسرائیل به منظور تأمین بودجه مراکز جامعه مدنی فلسطین و هزینه پژوهشگران آن‌ها را به محافل پولی کمک دهنده غربی و عربی وصل کردند تا از یکطرف دنباله روی آنها را تقصین کرده باشند، و از طرف دیگر این مراکز، اسلام و تروریسم را مطابق دیدگاه‌های آمریکا و اسرائیل معرفی کنند. البته هرگونه کمک مالی به مراکز و سازمان‌های جامعه مدنی فلسطین، به هماهنگی با دولت آمریکا در زمینه مبارزه با تروریسم مشروط می‌باشد. لذا محمود عباس رئیس حکومت خودگردان و سلام فیاض نخست وزیر و همه ویران حکومت خودگردان سند کمک به سازمان‌های جامعه مدنی فلسطین را امضا کرده‌اند. کار به جایی رسیده که دکتر مصطفی البرغوثی یکی از پژوهشگران مستقل و نامدار فلسطینی ابراز نگرانی کرده که نسل جدید سازمان‌های جامعه مدنی فلسطین خواسته‌های محافل کمک دهنده غربی را بر آورده خواهد کرد. و اگر هر پژوهشگری با این محافل همکاری فکری نکند حقوق و مستحرمی او بیدرتنگ قطع می‌شود، یا همزمان مورد خشم و غضب مأموران امنیتی حکومت خودگردان فلسطین و اسرائیل قرار می‌گیرد.

**ژنرال دایتون چه نقشی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین دارد؟**

ژنرال کیت دایتون نقش هماهنگ کننده امور امنیتی آمریکا در کرانه باختری رود اردن را ایفا می‌کند. او قبلاً در کمیته جستجوی سلاح‌های کشتار جمعی عراق وابسته به سازمان ملل متحد عضویت داشته است. دایتون گفته است که دولت‌های آمریکا و کانادا و انگلیس برای برقراری صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیل و برقراری امنیت در مناطق خودگردان و بازسازی نیروهای پلیس حکومت خودگردان فلسطین بایکدیگر همکاری می‌کنند. اصولاً در برنامه «نقشه راه» بنای به نام جامعه مدنی وجود دارد که هدف از آن جمع آوری کمک‌های مالی دولت‌های غربی به سازمان‌های فرهنگی و اقتصادی غیر دولتی فلسطینی است. ۸ مأمور امنیتی انگلیس ۱۸ مأمور امنیتی کانادا به منظور پیگیری اجرای «نقشه راه» در رام الله اقامت دارند. این افراد همواره با مسئولان دستگاه‌های امنیتی حکومت خودگردان دیدار دارند و اوضاع کرانه باختری رود اردن را لحظه به لحظه به مقام‌های لندن و اوتاوا گزارش می‌دهند. کانادایی‌ها و انگلیسی‌ها چشم و گوش ما هستند.

از سوی دیگر مرکز تحقیقاتی میدیل ایست مونیتر چندی پیش با انتشار گزارشی درباره اوضاع حقوق بشر در کرانه باختری رود اردن اعلام کرد که مأموران انگلیسی در زمینه آموزش نظامی و سازندگی عقیده مأموران امنیتی حکومت خودگردان نقش فعالی ایفا می‌کنند. البته مأموران امنیتی انگلیس زیر نظر ژنرال بازنشسته جان دیویریل دوست صمیمی ژنرال دایتون آمریکایی فعالیت می‌کنند.

ژنرال دایتون و مأموران سازمان سیا ضمن نظارت بر عملکرد نیروهای امنیتی حکومت خودگردان با همکاری برخی دولت‌های غربی همچون آلمان و دانمارک (به قول خودشان) به تبلیغ گرایش‌های معتدل و میانه رو اسلامی در شهرهای قدس، رام الله، الخلیل و بیت لحم می‌پردازند. به طور مثال سازمان «باکس کریستی» وابسته به دولت آلمان در زمینه تلاش برای عادی سازی روابط فرهنگی